

## مواجهه با تفکر نابهنگام نیچه

نیچه در طول شانزده سال از انتشار نخستین کتابش تا هنگامی که دچار فروپاشی روانی شد، کتاب‌های متعددی نوشت. «تأملات نابهنگام» (۱۸۷۵) مجموعه‌مقالاتی است که از زندگی داوید اشتراوس، ریچارد واگنر و شوپنهاور نوشته شده است. انسانی، زیاده انسانی» (۱۸۷۸) زمانی نوشته شد که نیچه به رابطه‌اش با واگنر پایان داد و شروع کرد به جداکردن تفکراتش از دیدگاه‌های شوپنهاور و زبان خود را در آثارش به دست آورد. سپس دو مجموعه به چاپ رساند: «ایده‌ها و پندها» (۱۸۷۹) و «آواره و سایه‌اش» (۱۸۸۰) که هر دو مجموعه‌ای از سخنان حکمت‌آمیز بودند. کتاب اصلی و ادامه‌اش با هم در سال ۱۸۸۶ با عنوان «انسانی، زادی انسانی، کتابی برای روح‌های آزاد» چاپ شدند. «سپیده‌دمان» (۱۸۸۱) همچنان به سبک سخنان حکمت‌آمیز بود و حول اهمیت احساس قدرت. در این کتاب نخستین مفاهیم نیچه از اراده یا قدرت مطرح می‌شود. «حکمت شادان» (۱۸۸۲) مجموعه‌ای دیگر از سخنان حکمت‌آمیز بود. این کتاب نخستین جایی است که نیچه به مفهوم «بازگشت ابدی» و بسیاری از نظریه‌های معروف خود می‌پردازد. «چنین گفت زرتشت» (۱۸۸۶ – ۱۸۸۳) تغییری در سبک نگارش نیچه به وجود آورد. این اثر معروف‌ترین و محبوب‌ترین اثر نیچه است. کتاب که از چهار بخش تشکیل شده در چندسال به چاپ رسید. «فراسوی خروشور» (۱۸۸۶) به ارزش‌گذاری دوباره مفاهیمی چون «خیر یا شر» می‌پردازد. «تبارشناسی اخلاق» (۱۸۸۷) از سه مقاله تشکیل شده و سه هدف عمده دارد؛ به توضیح تاریخ اخلاقیات می‌پردازد. به ریشه نفس بد و گناه و پروردار و این اخلاقیات را به نقد می‌کشد. «سرگذشت واگنر» (۱۸۸۸) استعداد نیچه را هنگامی که به کم‌ارزش‌کردن دوست و مربی پیشین خود ریچارد واگنر می‌پردازد. به‌عنوان منتقد موسیقی نشان می‌دهد. «غروب بت‌ها» (۱۸۸۹–۱۸۸۸) با عنوان فرعی فلسفیدن با پتک شامل انتقاد نیچه بر بت‌های بسیاری از جمله فیلسوفانی چون سقراط افلاطون و کانت و نیز اشخاص برجسته و معروفی از بریتانیا، ایتالیا و فرانسه است. شخصیت‌هایی مثل سزار، گوته و داستایوفسکی. «نیچه در برابر واگنر» (۱۸۸۹–۱۸۸۸) به بیان تقابل دیدگاه‌های او با واگنر می‌پردازد و تأکید می‌کند که چگونه می‌توان فاسد شد. مخصوصاً در مسیحیت. «دجال» (۱۸۹۴–۱۸۸۸) اولین بخش از چهار بخش ارزش‌گذاری درباره همه ارزش‌های ناتمام است. ای انسان (۱۹۰۸–۱۸۸۸) اثری خودشرح‌حال‌گونه است. «اراده معطوف به قدرت» (۱۹۰۱–۱۸۸۸) را خواهر نیچه به چاپ رساند و مجموعه‌ای است از یادداشت‌های نیچه است. کتاب کوچک «نیچه؛ هنر، شناخت» برخی اندیشه‌های نیچه را در مینان آثار پرشمار او با نکیه بر مسئله شناخت در امور حسانی و جسمانی شرح می‌دهد. فردریکا اسپیندلر، نویسنده کتاب استاد فلسفه دانشگاه سوئرتورن استنکلمم متولد ۱۹۶۶ است. او کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی درباره فلسفه معاصر اروپا، از جمله درباره اسپینوزا، نیچه و دلوز نوشته است. او با طرح پرسش‌هایی خواننده را تشویق می‌کند تا با رویای جدیدی از تفکر نیچه آشنا شوند. از پرسش‌های مهمی که در کتاب مطرح می‌شود می‌توان به نقش شورمندی در اندیشه خردگرا اشاره کرد. همچنین شرایط سیاسی لازم برای آنکه انسان بتواند به آنچه که هست تبدیل شود، از دیگر موارد کتاب است که اسپیندلر به آن می‌پردازد. نیچه را هوروار با بدبینی، خودمشی و خودگی شرح و توضیح داده و در بسیاری از مواقع لحظه‌های دهشتناک و بحرانی سده بیستم را به او نسبت داده‌اند. اما آیا نیچه یه‌واقع این‌گونه است و باید این‌گونه خوانده و فهم شود؟ شارحان و مفسران تازه‌تر نیچه، روایت دیگری ارائه داده‌اند که از نیچه تصویری متفاوت می‌سازد و عموم انگاره‌های پیشینی پیرامون فلسفه او و رفتار فکری‌اش را تغییر می‌دهد. فردریکا اسپیندلر در کتاب «نیچه، تن، هنر، شناخت» با بازخوانی مجدد و متفاوتش از نیچه، آن اشتیاق و شورمندی خاص فلسفه او را عیان کرده و از درون آن حجم از جنون سرشار از تعمق و تفکر، عشق به زیستن و زندگی را در نظرگاه ای فیلسوف بزرگ آلمانی هویدا می‌کند. کتاب اسپیلندر همه آن پرسش‌های فراموش‌شده را که از الزامات زمانه اکنون هستند. به‌واسطه نیچه و هورار و دوشادوش او پیش‌روی خواننده می‌گذارد، با این هدف که بیاید با دستگاه فکری نیچه مشتاقان و مشفقانه به جهان و پدیده‌هایش بنگریم. «نیچه؛ تن، هنر، شناخت» کتابی است برای مواجهه با تفکر فلسفی دیوانه‌واری که با ایده‌های گوناگون و متضادش، معرف رویکردی در نگریستن به جهان و انسان بود که بیش از او وجود نداشت و امروز بیش از هر زمان دیگری به آن نیازمندیم. از نگاه نیچه تصور هویت ثابت تغییرناپذیر، ما را در اسارت نگه می‌دارد. رهیافت‌هایی‌بخش این است که بپذیریم تن زندان روح نیست و پیش‌شرط تفکر و شناخت را تشکیل می‌دهد. اگر بپذیریم که تن آغازگاه اندیشیدن و شناخت است، نگاه انتقادی آسان‌تر می‌شود. ازطریق تن می‌توانیم ارزش‌هایی را که کم‌وبیش بر زندگی روزمره ما حاکم‌اند ببینیم و تحلیل کنیم و هر قدر هم این ارزش‌ها ماندگار انگاشته شده باشند، باید به‌مورد ارزیابی مجدد فکر کرد.

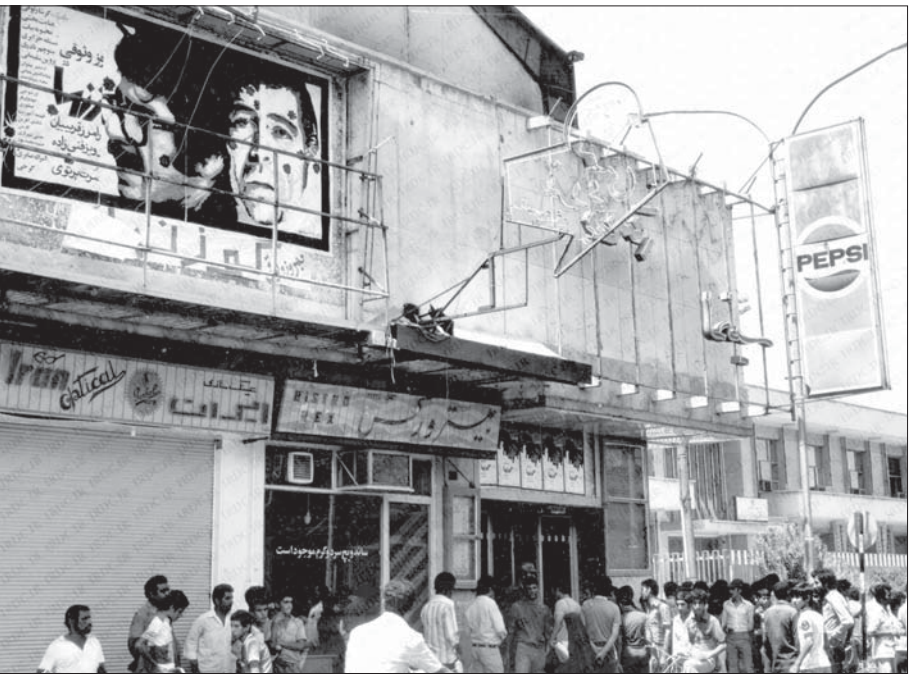
**نیچه:تن، هنر، شناخت**
**فردریکا اسپیندلر**
**ترجمه: سعید مقدم**
**نشر مرکز**
**قیمت: ۵۳۰۰۰۰**

«پرورش ذوق عامه در عصر پهلوی» را می‌توان بیش از آنکه تاریخ‌نگاری هنر معاصر ایران قلمداد کرد. تاریخ‌نگاری انقلاب دانست از منظری که تاکنون کمتر به آن نگریسته شده: هنر عامه‌پسند. چنین منظری کمک می‌کند نویسنده فراتر از موضوع‌گیری در دوگانه هنر خبه‌گرا یا عامه‌پسند به بستر شکل‌گیری و رشد هرکدام در یک سده گذشته و فرجام سیاسی آن بپردازد. اگرچه تأکید علی قلی‌پور بر اهمیت هنر عامه‌پسند به این تلقی دامن می‌زند که هرگونه تلاشی برای ارتقای سلیقه و ذوق عامه مردم مذموم است – و این نقدی است که برخی بر این کتاب وارد دانسته‌اند – مسئله اصلی کتاب، شاید حتی بدون قصد نویسنده، جانبداری از یکی از طرفین دوگانه عامه‌پسند/نخبه‌گرا نیست. سؤال این است که چرا و چگونه فیلمفارسی در دهه ۴۰ و ۵۰ به جریان غالب سینمای ایران بدل شد، چه نیروهایی منجر به رشد و پذیرش عمومی آن شدند، کدام سیاست‌گذاری‌ها موجب اقبال به فیلمفارسی و تئاتر لاله‌زاری شد، چه فعالیت‌هایی در تقابل با این آثار صورت گرفت و با چه حد از توفیق یا شکست و چه نسیتی میان این آثار و سقوط رژیم پهلوی وجود دارد. البته این سؤال آخر را کتاب به‌صراحت طرح نمی‌کند اما پس از خواندن آن قاعدتا در ذهن خواننده نقش می‌بندد. تصور رایج بر این است که هنر عامه‌پسند، یا به تعبیر مشهور «متبدل»، اعم از فیلمفارسی، تئاتر لاله‌زاری و موسیقی خودمپایاز در دهه ۴۰ و ۵۰ تلاش رژیم پهلوی برای سیاست‌زدایی از جامعه، پرکردن اوقات فراغت و سرگرم‌کردن مردم بود. قلی‌پور با ارجاعات مفصل بظان این‌تصور را نشان می‌دهد و برعکس، مجموعه‌ناهمگن روشنفکران، منتقدان هنری، دولتمردان و… را حامی هنر فاخر یا نخبه‌گرا می‌خواند. تز اصلی

## اندیشه

# انقلاب ایران از منظر هنر عامه‌پسند

**فرشاد کوشا**



**پرورش ذوق عامه در عصر پهلوی**

**علی قلی‌پور**

**چاپ و نشر نظر**

کانون پرورش فکری کودکان، جشن هنر شیراز، تالار رودکی، تئاتر شهر و موزه هنرهای معاصر. این

به آن معنا نیست که سیاست‌زدایی به کل از دستور کار خارج بود. دولت از سویی با به‌دست‌گرفتن پرچم هنردوستی و گسترش فرهنگ والا عملاً روشنفکران مخالف را خلع سلاح می‌کرد و از سوی دیگر می‌کوشید آنها را در نهادهای تازه‌تاسیس جذب کند. نمونه بارز این حذف و جذب هم‌زمان روشنفکران و هنرمندان مخالف فیروز شیروانلو است که ابتدا به اتهام طراحی ترور شاه به زندان افتاد و سپس مدیر بخش پژوهش کانون پرورش فکری شد و بعد از آن هم مشاور هنری دفتر مخصوص فرح پهلوی.

کتاب روایتی جذاب و خواندنی از تلاش‌های روشنفکران و هنرمندان (به‌خصوص در نیمه دوم دهه ۴۰ و دهه ۵۰ شمسی با افزایش درآمد‌های نفتی) در راه لابردن سطح سلیقه زیاشناختی مردم است. ولی اگر تز اصلی قلی‌پور را بپذیریم که آثار هنر عامه‌پسند مکان‌های مقاومت در برابر سیاست‌های زیاشناختی عصر پهلوی بودند، سؤال اینجاست که چرا

در آستانه انقلاب این مکان‌ها بدل شدند به مظهر

سیاست‌های هنری آن عصر، کانون‌های ابتدال و

هدف ختم انقلابیون؟

پاسخ قلی‌پور این است که این فعل‌وانفعال تا حدودی محصول فعالیت منتقدان و روشنفکرانی است که در کنار کارگزاران فرهنگی به هنر عامه‌پسند حمله می‌کردند و مخاطبان آن را توده‌ای منفعل و مصرف‌کننده می‌خواندند (۲۱۷). ولی آیا کردیسی این مخاطبان منفعل به توده‌های انقلابی مؤید نظر همان منتقدان و روشنفکرانی نیست که از خامی و بی‌شکلی توده‌ها گلایه می‌کردند و آنها را مستعد پذیرش محصولات عامه‌پسند می‌خواندند. در آن صورت، سؤال اصلی این است که آیا هر شکلی از پس‌زدن سیاست‌های دولت در حکم مقاومت است.

## دفاعیه‌ای از زیبایی

دشوار. از همین‌رو مترجم برای اطلاع خواننده از چندچون شکل‌گیری نامه‌ها، زمینه تاریخی و فرهنگی و سیاسی و فلسفی اثر، مضامین آن، استدلال‌های مندرج در آن و تفسیرهایی که دیگران از این کتاب به عمل آورده‌اند، فصلی از کتاب «شیلر در مقام فیلسوف» فردریک بیزر را تحت عنوان «مقدمه» به کتاب افزوده است.

شیلر در «نامه‌های زیبایی‌شناختی» سرانجام «تحلیل امر زیبا» را که در «نامه‌های کالیاس» ناتمام رها کرده بود ارائه می‌دهد. در این اثر است که شیلر سرانجام پیوند میان اخلاق و زیباشناسی را تبیین می‌کند. باز در این اثر است که پیگیرانه‌ترین دفاع خویش از زیبایی را به انجام می‌رساند و همه استدلال‌هایی را که در «هنرمندان» صرفاً به‌صورت منظوم باقی گذاشته بود در آرایشی یگانه منظم و مرتب می‌سازد. درخصوص همه این مسائل، «نامه‌های زیبایی‌شناختی» واپسین وصیت و کلام آخر اوست. «نامه‌های زیبایی‌شناختی» تأثیرگذارترین اثر شیلر نیز بود. برنامه این اثر راجع به تربیت زیبایی‌شناختی منبع الهام جنبش رمانتیسم متقدم بود. پیام بنیادی در پس تحلیل این اثر از امر زیبا- اینکه انسان‌ها باید مبدل به آثاری هنری شوند- عاقبت مبدل به این دستور رمانتیک شد که ما باید زندگی خویش را به شکل رمان درآوریم. برخی از مضامین اصلی مورد نظر شیلر، وحدت امور متضاد، دولت زیبایی‌شناختی، مفهوم آزادی- برای ایدالیسم مطلق هولدرلین، شلینگ و هگل تعیین‌کننده بودند و میراث این اثر در مکتب فرانکفورت و جهان‌وطنانه شیلر است که تبعیضات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و نژادی را نفی می‌کند و خواستار همبستگی جهانی انسان‌ها بر مبنای آزادی و احترام و برابری می‌شود. به همین دلیل است که بتهوون «چکامه شادی» شیلر را که ستایش این پیوند کیهانی انسان با جهان طبیعی و اجتماعی اوست برای بیان دیدگاه مشابه خود انتخاب می‌کند. «نامه‌هایی در تربیت زیبایی‌شناختی انسان» یا اصطلاحاً «نامه‌های زیبایی‌شناختی» اثر فلسفی عمده شیلر است که اولین بار در سال ۱۹۷۵ در نشریه هورن به انتشار رسید. با این‌گاه اثری زیاده بر فلسفه آلمانی بعد از خود برجای گذاشت. این اثر از نظر عمق مبحث مطرح‌شده در آن با آثار بزرگی همچون «نقد قوه حکم» کانت و «درس‌گفتارهایی در باب زیبایی‌شناسی» هگل مقایسه می‌کنند. این کتاب که پیش از این با عنوان «آزادی و دولت فرزانگی: نامه‌هایی در تربیت زیاشناختی انسان» به قلم محمود عبادیان به فارسی ترجمه و منتشر شده بود به‌تازگی با ترجمه دیگری از متن آلمانی توسط مسعود حسینی از سوی نشر بیدگل روانه بازار نشر شده است.

«نامه‌های زیبایی‌شناختی» نظام‌مندترین و منسجم‌ترین اثر در میان همه آثار فلسفی فریدریش شیلر است. شیلر در این اثر سرانجام «تحلیل امر زیبا» را که در آثار قبلی خود ناتمام رها کرده بود به دست می‌دهد. او در «نامه‌های زیبایی‌شناختی» سه موضوع اصلی را مدنظر دارد: نخست ضرورت هنر لالایی و پرورش انسان منسب نقش و اهمیتی که هنر در رساندن انسان به این آرمان و جایگاه دارد و درنهایت اینکه چگونه تربیت روح و جان زیبا کلید اصلی دستیابی انسان به آزادی سیاسی واقعی است. زیبایی از دیدگاه شیلر آرمیزه‌ای از حس و عقل است و درعین‌حال فراتر از هر دوی آنهاست و جایگاه و مقامی وری آنها دارد. هدف هنرمند خلق زیبایی در منتهای مراتب آن و در سطح و نخست جهانشمول است. هدف از فعالیت هنری پرورش و تربیت منش مردم از طریق رفع احتیاجات آنهاست و نه بر اساس آنچه روح زمانه در تمنای آن است. «نامه‌های زیاشناختی» شیلر مشتمل بر بیست‌وهفت نامه است که وی در آن به زبانی شاعرانه و به یاری مضامین فلسفی درباره تربیت زیاشناختی انسان سخن می‌گوید و می‌کوشد تا نقش بنیادی فرهنگ و هنر را به‌عنوان مانیجی در زندگی فرد و جامعه انسانی نشان دهد. «نامه‌های زیاشناختی» اثر فلسفی دشوار و عمیقی است و گاه فهم استدلال‌های نهفته در آن بی‌اندازه

**نامه‌هایی در تربیت زیبایی‌شناختی انسان**
**فریدریش شیلر**
**ترجمه: مسعود حسینی**
**نشر بیدگل**
**قیمت: ۹۷۰۰۰۰ تومان**



## مروری بر تاریخ فلسفه هنر

● «متفکران بزرگ زیباشناسی» مجموعه مقالاتی است درباره زیباشناسی و فلسفه هنر که به بررسی آرای فیلسوفانی از دوران باستان و قرون وسطی تا قرن‌های ۱۹، ۱۸ و ۲۰ می‌پردازد. ۱۸ مقاله‌ای که شکل‌دهنده کتاب هستند، به بیست‌ویک متفکر بزرگی می‌پردازند که فصلی یا بخشی از یک فصل به آنها اختصاص داده شده است و همچنین دربرگیرنده دو مرور کلی‌اند، یکی مرور زیبایی‌شناسی قرون وسطی (فصل سوم) و دیگری مرور تحولات معاصر (فصل هجدهم). الساندرو جووانلی، گردآورنده و ویراستار کتاب، در مقدمه از لزوم آشنایی با تحول تاریخی مفهوم زیباشناسی و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن با فلسفه هنر می‌گوید و ضمن اشاره به ماهیت مستقل ۱۸ مقاله کتابش که می‌توان هر یک را جداگانه خواند، فصل‌ها را به پنج بخش کلی تقسیم می‌کند: زیاشناسی باستان (افلاطون و ارسطو)؛ زیاشناسی قرون وسطی؛ دوره جدید (هیوم و کانت)؛ قرن نوزدهم (هگل، شوپنهاور و نیچه)؛ و قرن بیستم. فصل اول کتاب با ردکردن دو تصور رایج از افلاطون آغاز می‌شود؛ یکی اینکه او شعرا را در جمهوری آرمانی خویش قدغن کرده و دیگر اینکه هنر را اساسا بازنمایی دانسته است. فصل دوم کتاب به معرفی رئوس «ویوطیقای ارسطو می‌پردازد؛ معنا و منشأهای میمسیس (محالات)، تعریف تراژدی و معنای کاتارسیس (پالایش). میمسیس نزد ارسطو نه دقیقاً به معنای تقلید یا بازنمایی بلکه به معنای شبه‌سازی چیزی بالقوه یا بالفعل است با همان تأثیر. فصل سوم کتاب، زیباشناسی قرون وسطی، با این ادعا آغاز می‌شود که زیباشناسی در این دوره هرگز رسته‌های مستقل نبود و در بافت پژوهش در باب کتاب مقدس مطرح می‌شد. منبع الهام دیگر در این دوره تعالیم یونان و روم باستان بود. فصل چهارم به بررسی آرای دیوید هیوم اختصاص دارد. فیلسوف تجربه‌گرای قرن هجدهم، با طرح این پرسش محوری که معیارهای زیاشناختی ذهنی‌اند یا عینیه، گاه از وضع قواعد زیاشناختی طفره می‌رود و گاه می‌کوشد برای آنها معیاری پیش نهد. فصل ششم درباره دیدگاه هگل در مقام نظریه‌پردازی مشخصاً مدرن راجع به فلسفه هنر است. او بین هنر آزاد و هنر وابسته فرق می‌گذارد و صرفاً اولی را موضوع مناسب فلسفه هنر می‌داند. از نظر هگل، کار فلسفه هنر تشریح اهمیت آثاری است که در رسانه هنری خاصی در لحظات تاریخی مشخص در فرهنگ‌هاشان و نه در نسبت با نیازهای روانی افراد، اهمیت داشته‌اند.

فصل هفتم درباره دو چهره‌ای است که در میان فیلسوفان زمان خود بیشترین اهمیت را به هنرها داده‌اند و هر دو معتقد بودند ویژگی معرف زندگی ما همانا رنج است: آرتور شوپنهاور و فریدریش نیچه. هسته اصلی نظریه زیاشناسی شوپنهاور در مشهورترین کتاب او، «جهان همچون اراده و تصور» آمده است. فصل هشتم درباره دیدگاه‌های بندتو کروچه و رابین جی کالینکود است؛ دو فیلسوفی که معتقد بودند تمام واقعیت‌های بیرون از ذهن، به تعبیری، ساخت ذهن‌اند و شرط لازم و کافی هنری‌بودن یک اثر «بیانگر بودن آن است. راجر فرای و کلایو بل، دو فیلسوف مورد بررسی در فصل نهم، مدافع هنر پست‌امپرسیونیستی بودند. طبق توصیه فرای، ارزش واقعی هنرها در این است که زندگی تخیلی ما را که در آن می‌توانیم بر جنبه‌های عاطفی و ادراکی خود تجربه متمرکز شویم غنا می‌بخشد. درحالی‌که نیچه نیز به رفتارهای عملی و پذیرش مسئولیت اخلاقی این رفتارها زندگی روزمره‌مان را احاطه کرده است، زندگی تخیلی ما فارغ از این الزامات و مطالبات است. فرای او، بل، هر دو، تجربه شخصی را اساس هنر نظریه هنری می‌دانند. فیلسوف بعدی مورد بحث جان دیوینی است: چهره اصلی زیباشناسی و فلسفه هنر آمریکادر نیمه نخست قرن بیستم که آموزه‌هایش پس از یک دوره فراموشی از دهه ۹۰ دوباره بر سر زبان‌ها افتاد. فصل یازدهم به آرای هایدگر می‌پردازد. نویسنده برای تشریح دیدگاه‌های او درباره سرشت و کارکرد آثار هنری آنها را در زمینه نظراتش درباب معنای وجود قرار می‌دهد.

فصل دوازدهم به آرای والتر بنیامین و تئودور آدورنو اختصاص دارد. دو فیلسوفی که تأثیر عمیق بر تاریخ، سیاست و فعالیت نظریه زیباشناسی گذاشته‌اند. بنیامین و آدورنو به‌رغم همه اختلاف‌هایشان در سبک کار، تمرکز و موضوع فعالیت‌شان برداشت یکسانی از هنر داشتند که ریشه در سنت زیباشناسی مدرن داشت و از بن‌سب جریان فکری برآمده بود: ایدئالیسم آلمانی (به‌خصوص کانت و هگل)؛ رمانتیسم آلمانی (به‌خصوص هلدرلین و نولیس و شلگل)؛ و جنبه‌هایی از تفکر نیچه. فصل سیزدهم به آرای مونرو بیرزدلی، فیلسوف آمریکایی قرن بیستم، می‌پردازد که معتقد بود در بررسی آثار هنری نباید نیت مؤلف (آنچه اثر را به وجود می‌آورد) و واکنش عاطفی مخاطب (آنچه می‌گذارد، بر وابستگی متقابل آنها نیز تأکید می‌ورزد. شخص به تنهایی چیزی جز صورت و قوه تهی» نیست، وضعیت نیز به تنهایی «چیزی جز جهان»، یعنی «محتوای بی‌صورت زمان»، نیست. شخص برای آنکه عبارت از جهان صرف نباشد، باید صورت را بر ماده منطبق سازد؛ برای آنکه عبارت از صورت صرف نباشد، باید به‌صورت ماده بدهد. وابستگی متقابل ماده و صورت دو لازمه بنیادی را بر طبیعت انسان تحمیل می‌کند. شیلر آنها را «دو قانون بنیادی طبیعت حسی-عقلانی ما» می‌نامد.

**متفکران بزرگ زیبایی‌شناسی**
**الساندر جووانلی**
**ویرایش: امیر مازیار**
**نشر لکا**
**قیمت: ۶۱۰۰۰۰ تومان**

